

تردید نیست که درگستره تاریخ اسلام، مسلمانان از عالم و عامی، شیعه و سنی و پیروان مذهب های مختلف فقهی و نحله های گوناگون کلامی و اعتقادی به صورت اجماع حجاب را واجب و رعایت آنرا بر زن مسلمان الزامی می شمارند و بی حجابی و بدحجابی را مساوی با مخالفت با قرآن و زیر پا نهادن حکم واجب الهی تلقی می کنند. فتوهای فقیهان شیعه و سنی بر وجوب حجاب و چگونگی آن در لحظه های مختلف زندگی از جمله در هنگام نماز، بیانگر اهمیت حجاب در اسلام می باشد که نیازی به یاد کرد آن فتواها نیست.

اکنون این پرسش رخ می نمایاند که آیا حکم حجاب تکلیف شخصی محض است؟ یعنی خداوند فقط حجاب را بخاطر اظهار عبودیت از زن مسلمان خواسته و بس؟ که در این صورت اگر زن مسلمان این حکم الهی را نادیده انگارد فقط ترک واجب کرده نه بیش از آن و تنها کیفر اخروی دارد و در برابر جامعه هیچ مسئولیتی ندارد.

یا افزون بر اینکه این حکم، تکلیف شخصی هر زن مسلمان است، جامعه اسلامی در این حکم نیز سهیم است؟ بگونه ای که اگر زن مسلمان این دستورالعمل اجتماعی را به صورت علنی زیر پا نهد جامعه حق داشته باشد علیه او اعلام جرم کند و حکومت اسلامی نیز مسئولیت داشته باشد تا او را در برابر این تکلیف اجتماعی وادار به امتثال نماید.

نوشته حاضر پژوهشی است راجع به این مطلب و کوشیده است که دیدگاههای مطرح شده در این زمینه را تا آنجا که به قرآن ارتباط پیدا می کند مورد بررسی قرار دهد.

حجاب، تکلیف شخصی محض

تحول فکری که در رویکرد «نوگرایی» برای تنی چند از صاحب نظران عرب،



در اواخر قرن 19 میلادی رخ داد، در رابطه با مسأله حجاب از جهات گوناگون دغدغه های زیادی پیش آورد، از جمله این دغدغه ها شخصی محض بودن حکم حجاب است.

نکته قابل توجه این است که پایه گذار این رویکرد، در جهان اسلام و عرب، کسانی بوده اند که گرچه از متفکران و نو اندیشان اسلامی شمرده می شوند ولی هر یک اندیشه و افکار خود را از دنیای غرب و «فمینیسم» بر گرفته اند.

نخستین فرد نوگرا و نو اندیش در این زمینه شخصی بنام «الطهطاوی» (1801-1873م) بود که در پاریس منصب امامت جماعت یک گروه «نظامی» را به عهده داشت و هم مرجع دینی آنان بود. او تحت تأثیر به ظاهر متمدنانه زنان پاریس قرار گرفته بود، به حال زنان مسلمان رقت می کرد و در دفاع از حقوق زن کتابی بنام «التلخیص الابریز فی تلخیص باریز» به رشته تحریر در آورد. او در قسمتی از کتاب خود می نویسد:

« اگر بپذیریم که از نظر اسلام، حجاب بر زن مسلمان واجب است هرگز نمی توانیم قبول کنیم که این حکم، اجتماعی هم است، زیرا: بین حجاب و پویایی جامعه و بین بی حجابی و انحطاط جامعه هیچ ارتباطی نیست.» (الطهطاوی، /75 به نقل از امین، /20)

«قاسم امین» (1908) نویسنده مصری، یکی دیگر از نظریه پردازان مسلمان عرب است که در زمینه حقوق زن، و از جمله مسأله حجاب، اهتمام فراوان به خرج داده است، او از دو زاویه دینی و اجتماعی به مسأله حجاب پرداخته است. از دیدگاه نخست، پیشاپیش تأکید می کند که اگر در حوزه دینی مطلبی باشد، که به صورت مستقیم به الزامی بودن حجاب یا اجتماعی بودن آن، دلالت کند، مانع هر بحث و تشکیک می شود، از این رو که دستورهای الهی را بدون چون و چرا باید انجام داد.

اما از منظر دوم، اعتقاد وی این است که پوشش زن در اثر برخورد مسلمانان با

دیگر ملت ها، بر مسلمانان عارض شد.

قاسم امین می گوید:

«اگر نهی در متون دینی باشد که بر وجوب حجاب، دلالت کند، قطعاً دلیل بر اجتماعی بودن آن نیست، چون نه در قرآن و نه در روایت، مطلبی نیست که بر اجتماعی بودن حجاب دلالت کند، پس اگر واجب بودن آن ثابت می شد، قطعاً اجتماعی بودن آن به دست نمی آمد زیرا آن حکم، تنها بر وجوب آن دلالت می کرد نه بر اجتماعی بودن آن.» (همان)

ظاهرحداد (ت: 1930م) یکی دیگر از صاحب نظران عرب بود که به حجاب به عنوان یک امر شخصی می نگریست.

دکتر محمد شحرور صاحب نظر معاصر عرب پس از نگرش مفهومی به واژگان مربوط به حجاب می گوید:

«حد ادنی در حجاب زن پوشاندن (جیوب - و شرمگاه) است و در عین حال این یک حکم خشن نیست و هیچ زنی به آن ملزم نشده است و این، یک حکم اجتماعی هم نیست بلکه یک مسأله اختیاری و کاملاً شخصی است.» (همان)

در این اواخر، تفکر شخصی پنداری حجاب از مرزهای فکری عربها عبور کرده و بر بعضی از ایرانیان نیز، تأثیر نموده است.

یک نویسنده می نویسد:

«احکام مربوط به حجاب، هم مثل نماز و روزه و نه مثل احکام حقوقی فاقد ضمانت اجرایی، اجتماعی است.» (صدر، 116)

دیگری می نویسد:

«حجاب امر خواستنی و انتخابی است و هیچ مجازاتی، برای غیر عامل به حجاب تعیین نشده است و صرفاً گناهی است که فقط توسط خداوند قابل بازخواست است.» (روزنامه نشاط، 3)

نویسنده دیگر می گوید:



«در مورد حجاب نه تنها شواهدی مبنی بر حکومتی بودن آن وجود ندارد، بلکه مواردی در تاریخ شیعه وجود ندارد که زنی به دلیل رعایت نکردن حجاب، مجازات شده باشد. هرچا امری، مجازاتی داشته، در کتب روایی، جزء جزء آن ذکر شده است، اما در مورد حجاب، نه تنها روایتی در این زمینه نداریم، بلکه احادیث زیادی وجود دارد، که الزام زنان به رعایت حجاب و [همچنین] تقصیر آنان را [در ترک حجاب] به گردن شوهرانشان می گذارد نه حکومت. حتی مجازات بی حجابی به عنوان تعزیر هم سابقه ندارد. احکام مربوط به حجاب هم مثل نماز و روزه و نه مثل احکام حقوقی، فاقد ضمانت اجرای اجتماعی است.» (صدر،/116)

دلایل شخصی نگری حجاب و نقد آنها

نو اندیشان عرب، به این مسأله از منظرهای متفاوتی نگریسته اند. بعضی بدون استناد یا اشاره به هیچ دلیل، از شخصی بودن مسأله حجاب سخن گفته اند؛ بعض دیگر، حجاب را از دستاوردهای فرهنگ یهود در اسلام خوانده است؛ و تکلیفی را به نام حجاب نه بصورت تکلیف شخصی محض و به گونه تکلیف شخصی، اجتماعی، از آموزه های اسلامی نمی دانسته اند. این دیدگاهها چون استنادی به قرآن نداشته اند، در این نوشتار مورد بحث قرار نمی گیرد.

اما بعض دیگر شخصی بودن حجاب را به قرآن مستند می کنند. و با توجه به برداشت جدیدی که از قرآن ارائه می کنند، حجاب را به عنوان یک حق اجتماعی نمی دانند. دکتر محمد شحرور، قرآن پژوه معاصر یکی از آنان است که با ادعای نو اندیشی در قرآن، دیدگاه های متفاوت در برابر حجاب ابراز کرده است. گاهی حجاب را نفی، و گاهی هم به عنوان تکلیف شخصی معرفی می کند. او در ضمن بررسی مفهوم واژگان حجاب، پس از ریشه یابی واژه «جیوب» می گوید:

« جیوب در زن، عبارت است از دو سینه و زیر دو سینه، زیر بغل، شرمگاه و سرین، بنابراین زن تنها همین نوع از جیوب را باید بپوشاند.» (شحرور، /606) وی با استناد با جمله « وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا » (نور/ 31) می گوید:

« زن دو گونه زینت دارد: زینت ظاهری و زینت باطنی آنچه خداوند در خلقت زن، آشکار ساخت، زینت ظاهری است، مانند: سر، شکم، پشت، دستها و پاها و پوشانیدن آنها واجب نیست و آنچه خداوند، در ساختار خلقت زن محقق نموده است زینت باطنی است مانند **!!!**» (همان، /617)

سپس در مقام جمع بندی می گوید:

« حد ادنی در حجاب زن پوشانیدن « جیوب پنهان » است. (همان، /572)

کا ملاً روشن است که از نگاه شحرور، فقط پوشانیدن قسمتی از «جیوب» که طبق معنای او مربوط به باطن ساختار وجود زن است واجب می باشد. سپس در معنای جیوب اظهار می کند و می گوید:

« این مقدار از پوشش هم، حکم شخصی و در عین حال، تر بیستی است و این حکم شخصی، در جهت تربیت زن و باز دارندگی او از رفتار منافی عقّت، صادر شده و نه جز غیر آن و نه یک حکم خشن و نه حکمی در قلمروی قانون و قابل پیگرد.» (همان)

گرچه وی معتقد است که تمام گفته های خود در این زمینه را در فرایند بازخوانی از قرآن، استنباط می کند؛ اما تأمل در سخنان وی و انطباق گفته های او با قرآن و نیز درک تعارض گفتار او، بی ارتباطی دیدگاههای او را با قرآن کاملاً آشکار می کند.

آنچه در نقد آن به صورت مختصر می توان گفت این است که واژه «جیب» در مورد انسان به معنای مطلق شکاف به کار نرفته است تا منظور از آیه قسمتهای باطنی بدن زن باشد. چنانکه شحرور می پندارد؛ بلکه هرگاه در مورد انسان به کار رفته به معنای شکاف پیراهن یا زره اوست.

لسان العرب می گوید:

« الجیب جیب القميص و الدرع و الجمع الجيوب فی تنزیل العزیز و اَلْیَضْرِبْنَ بِخُمْرِهِنَّ عَلٰی جُیُوبِهِنَّ » (نور/31) (ابن منظور، 288/1)

تنها یک مورد درباره خود انسان به کار رفته و آن هم به معنای قلب و سینه اوست:

« فلان ناصح الجیب یعنی بذلک قلبه ای صدره. » (همان)

نویسنده دیگری برای اثبات شخصی بودن حجاب به، استدلال قرآنی متفاوتی تمسک کرده است. وی می گوید:

« در امر حجاب مطلقاً، دین با دموکراسی سازگار است؛ زیرا خطاب حکم حجاب در قرآن با مؤمنان و مؤمنات است؛ یعنی رعایت حکم، به ایمان افراد واگذار شده که امر انتخابی و خواستنی است و هیچ مجازاتی برای زنان غیر عامل به حجاب، تعیین نشده است و صرفاً گناهی است که فقط توسط خداوند قابل بازخواست است. » (روزنامه نشاط، /3)

در نقد این استدلال باید گفت جستجو و تتبع در آیات اجتماعی قرآن، به روشنی می نمایاند که بیشترین آیات اجتماعی این کتاب الهی نیز مؤمنان را مورد خطاب قرار داده است مانند:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرِّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأَنْثَىٰ بِالْأَنْثَىٰ ... » (بقره/178)

« ای کسانی که ایمان آورده اید، در کشتن یکدیگر، قصاص بر شما واجب شده؛ آزاد در برابر آزاد و بنده در برابر بنده و زن در برابر زن ... »

آیا حکم قصاص که مخاطب آن، اهل ایمان می باشد، از احکام اجتماعی اسلام نیست؟

و ما نند آیه کریمه:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ



کَاتِبٌ بِالْعَدْلِ...» (بقره/282)

«ای کسانی که ایمان آورده اید! هر گاه در نتیجه داد و ستد و معامله دو سویه، دین بر ذمه شما تعلق گرفت، آن را بنویسید و یک نویسنده به شیوه عادلانه در بین شما «دو طرف معا مله» بنویسد»

این آیه کریمه که بزرگترین آیه در قرآن است جوانب گو ناگون داد و ستد به صورت دین را مطرح کرده است و مخاطب آن هم اهل ایمان است، آیا این از آیات اجتماعی قرآن نیست؟ بنابراین خطاب به مؤمنان به معنای شخصی بودن تکلیف نیست.

برعکس پندار نویسنده، در پاره ای از موارد، عامه مردم اعم از مؤمن و غیر مؤمن، مأمور به تقوا شده با اینکه تقوا کاملاً یک امری شخصی است.

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» (نساء/1)

«ای مردم! بپر هیزید، پروردگارتان را که آفرید، شما را از یک نفس...»

و گاهی همه مردم با تعبیر «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» در جهت سود جستن از طبیعت،

مخاطب قرار می گیرد، مانند:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلالاً طَيِّباً...» (بقره/168)

«ای مردم از نعمتهای حلال و پاکیزه ای که از زمین می روید بهره مند شوید.»

و گاهی هم برای این سود جستن، با جمله «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» مخاطب قرار

می گیرد.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ...» (بقره/172)

«ای کسانی که ایمان آورده اید! از پاکیزه ترین چیزهایی که به شما روزی دادیم بهره مند شوید.»

حجاب، تکلیف شخصی و حق جامعه

آن گونه که بعضی ها پنداشته اند، پوشش زن تنها تکلیف شخصی نیست، بلکه

یک مسأله عاطفی، روانی، خانوادگی، اجتماعی است که ریشه در فطرت انسانها



دارد. از روزی که خدا انسان را آفرید، همراه با نیاز فطری به پوشش آفرید و آن را جزء غریزه او قرار داد.

از لحظه ای که آدم و همسرش حوا در پی اغوای شیطان نافرمانی خدا را کردند و از درخت ممنوعه تناول نمودند، مهمترین و نخستین کیفر آنان از سوی خداوند این شد که لباسهای آنان از تن آنان فرو ریخت و بدن و عورت آنان آشکار گردید و خود آنان نیز به دلیل غریزی بودن حجاب، در پی این کشف حجاب، بی تفاوت نماندند، بلکه با اصرار می کوشیدند تا بدن و عورت خود را با برگهای گلهای درختان بپوشانند.

فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتَ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَ طَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ...»
(طه/121)

«آدم و همسر او از آن درخت تناول کردند پس لباس آنان بر تن آنان ریخت و بدنشان برهنه شد و می کوشیدند تا با برگهای درخت خود را بپوشانند».

نگرش عمیق و بی غرضانه به آیه های حجاب و سوره هایی که این آیه ها در آنجا آمده است، به روشنی می نمایاند که حجاب، افزون بر این که تکلیف شخصی بانوان مسلمان است حق جامعه دینی نیز می باشند.

مفسران و قرآن پژوهان نامدار مسلمان، از شیعه و سنی، چون ابوحامد غزالی و علامه طباطبایی از مفسران شیعه، به وحدت موضوعی، هماهنگی آیات یک سوره و رابطه منطقی بین آیات معتقدند.

از منظر این صاحب نظران، گرچه در بسیاری از سوره های بزرگ قرآن کریم، آیات متنوع و به ظاهر متناقضی وجود دارد؛ ولی همه آیات یک سوره هماهنگی خاص و پیوستگی منطقی با یکدیگر دارند.

غزالی در بیان این نکته که غرض «از نبودن اختلافات در قرآن» چیست؟

می نویسد:

«مراد از نبودن اختلافات در قرآن، این نیست که مردم در فهم و تفسیر آن هرگز اختلاف نخواهند کرد، بلکه مقصود نفی اختلاف و ناهمخوانی از ذات قرآن است. گستره کلام الهی، منزله از اختلافات و ناهمگونی های سخن عادی بشر است که ابتدای آن به انتهای آن شباهت نداشته و روایات مختلفی از درجات فصاحت و سخنوری است؛ قرآن بر یک شیوه و اسلوب و بر یک مرام و گونه از نظر نظم و ارتباط در ماده و صورت نازل شده است؛ در حالی که کلام آدمیان، در بردارنده اختلافات بسیارند. و در بردارنده فراز و نشیب های فراوان و تب و تابها و تحولات گوناگون است» (العک،/196)

از سخنان غزالی، هماهنگی بین آیات و وحدت موضوعی سوره ها به روشنی فهمیده می شود.

مرحوم علامه طباطبایی، در زمینه ارتباط بین آیات و هماهنگی آیه ها با یکدیگر می نویسد:

«در قرآن مردمان رابه تدبر در آیات، ترغیب کرده است، تا ببینند که اختلافی بین آیات نیست. آیات بعدی، آیات پیشین را تصدیق کرده بی آنکه هیچ گونه اختلافی بین یکدیگر فرض شود، شاهد بر یکدیگرند.

در قرآن هیچ گونه اختلافی نیست، نه بصورت تناقض و نه به عنوان این که بعضی آیات، آیات دیگر را نفی کند و نه به صورت تفاوت که آیاتی از نظر تشابه بیان و یا متانت معانی و مقاصد با آیات دیگر، اختلاف داشته باشد که برخی به لحاظ بنیان و ریشه و اساس، استوار و محکم تر از بعضی دیگر باشد. بر همین اساس که قرآن، بشر را به تدبر در خویشتن دعوت کرده است و بدین امر رهنمون کرده که قرآن، کتابی است که از سوی خداوند نازل شده است.» (طباطبایی، 2/5)

بعضی از قرآن پژوهان معاصر، در نتیجه تحقیقاتشان در رابطه با مجموعه آیه های گردآوری شده در داخل یک سوره، از وحدت موضوعی، تمام آیه های یک سوره خبر داده و گفته است که همه آیه های یک سوره گرچه مطالب متنوعی را



بیان می کنند، ولی در نهایت در صدد بیان مطلب یگانه ای هستند که آن مطلب
غرض اصلی سوره و معیار گردآوری آیه ها در یک سوره می باشد. (جاسبی،
338/1)

با توجه به مطالبی که بیان شد، آیاتی که پوشش را بر زن مسلمان واجب کرده
در دو سوره قرآن قرار دارد؛ سوره مبارکه نور و سوره مبارکه احزاب.
در این نوشتار از آن دو سوره تنها به سوره مبارکه نور نظری می افکنیم و
بررسی آیه های سوره احزاب را به وقت دیگر واگذار می کنیم.

بر فرض اینکه وحدت موضوعی آیه ها را در همه سوره ها نپذیریم، باز هم
سوره مبارکه نور در صدد بیان یک مطلب است و آن احکام اجتماعی زنان و مردان
می باشد؛ احکامی که شخصیت والا و کرامت انسانی هر یک از مرد و زن در گرو
آن احکام می باشد؛ مناسب است به دستورالعمل های بعضی از آیات این سوره
اشاره شود.

نخستین آیه این سوره، از نزول سوره و واجب بودن احکام آن خبر می دهد.

«سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نور/1)

«سوره ای است که ما آن را نازل کردیم و (احکام آن را) واجب کردیم و در آن سوره آیه
های روشن نازل کردیم تا شاید شما پند بگیرید»

آیه دوم سوره دستوری است به اجرای «حد» بر مرد و زنی که مرتکب عمل
شنیع زنا شده باشند و در ادامه آیه می فرمایند:

«... وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ
لِيَشْهَدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ» (نور/2)

«و در مورد آن دو در جهت اجرای حکم خدا، رأفت و مهربانی به کار نبرید، اگر به خدا و
روز قیامت ایمان دارید و باید عذاب آن دو را طایفه ای از مؤمنان مشاهده کنند».

آیه سوم، ویژگیهای همسر گزینی مردان و زنان فاجر و زنا کار را بیان می کند
و می فرماید:

« مرد زناکار جز با زن زناکار و مشرک، ازدواج نمی کند و زن زنا کار جز با مرد زناکار یا مشرک ازدواج نمی کند.»

آیه های چهارم و پنجم، کیفر کسانی را اعلام می کند که به زنان «محصنه» نسبت ناروا می دهد و برای اثبات مدعای خود، نمی تواند چهار شاهد تهیه کند چنانکه می فرماید:

«کسانی که به زنان «محصنه» نسبت ناروا می دهند و نمی توانند چهار شاهد ارائه کنند، به هر یک از آنان هشتاد تازیانه بزنید.»

سپس از پایین آمدن موقعیت اجتماعی آنان خبر داده و می فرماید:

«...وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا» (نور/4)

« و گواهی آنان را هرگز نپذیرید»

آیه های 6-10 حکم شرعی کسانی را بیان می کند که به همسرانشان نسبت ناروا می دهند و نمی توانند چهار شاهد برای اثبات مدعای خود حاضر کنند.

آیات 11-18 داستان «افک» و مسائل مربوط به آن و سخن گفتن بدون علم در مورد اشخاص و بر حذر داشتن انسانها از برداشتهای باطل و ناروا را باز گو کرده است.

آیات 19-21 از عاقبت سوء و پیامد ناگوار، گسترش و شایعه سازی عمل خلاف خبر داده و کیفرهای سخت دنیوی و اخروی برای گسترش دهندگان عمل های ناروا و خلاف بیان کرده و این کار را از وسوسه های شیطان یاد کرده است. آیه 22 توصیه ای است بر ثروتمندان و توانگران مبنی بر حمایت های مالی از نزدیکان، خویشاوندان و مسکینان.

آیه های 23-25 باز هم، کیفر اخروی سخت برای کسانی بیان می کند که به زنان «محصنه» بی خبر و غافل، نسبت ناروا می دهند.

آیه 26، ویژگی های همسر گزینی مردان و زنان را بیان می کند و می فرماید:

« زنان خبیث از آنان مردان خبیث و مردان خبیث از آن زنان خبیث و زنان



پاکیزه از آن مردان پاکیزه و مردان پاکیزه از آن زنان پاکیزه اند...»

آیه های 27-28-29 مسلمانان را از وارد شدن به خانه دیگران، بدون اجازه، نهی می کند. و در صورت اجازه گرفتن از صاحب خانه، شرایط وارد شدن را بیان می کند. با توجه به اینکه احکام این سوره، در نخستین آیه آن، واجب اعلام شده است، این پرسش مطرح است که آیا مجموعه 28 آیه بیان شده در این سوره، در صدد بیان احکام اجتماعی مسلمانان است یا احکام واجب شخصی؟

اگر بگوییم احکام یاد شده، شخصی است، باید گفت در قرآن کریم، هیچ احکام اجتماعی وجود ندارد، و بلکه تمام شیوه های رفتاری جوامع انسانی، شخصی محض است. بی گمان، این سخن بیهوده و باطل است، پس نتیجه این که، همه احکام یاد شده که در 28 آیه پیشین با پیوستگی تمام، بیان شده، احکام اجتماعی مسلمانان از زنان و مردان است.

در آیه 30 سوره مبارکه نور، نگاه به نامحرم بر مردها تحریم شده و دستور داده است که بدنشان را در برابر زن نامحرم بپوشانند.

آیه 31 که آیه نسبتاً طولانی است حکم و چگونگی پوشش زنان و موارد استثنایی آن را به تفصیل و گستردگی تمام اعلام کرده است.

«وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (نور/31)

« و به زنان با ایمان بگو: دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند؛ مگر آنچه طبعاً از آن پیداست، و باید روسری خود را بر گردن خویش [فرو] اندازند و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا زنان [همکیش] خود یا کنیزانشان

یا خدمت کاران مرد که [از زن] بی نیازند یا کودکانی که بر عورت‌های زنان وقوف حاصل نکرده‌اند، آشکار نکنند و پاهای خود را [به گونه ای به زمین] نکوبند تا آنچه از زینت هایشان نهفته می‌دارند معلوم گردد. ای مؤمنان! همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید امید است که رستگار شوید.»
 آیه های 32-33 با اتصال و پیوستگی به آیات پیشین و بدون قطع ارتباط بین آنها و آیه های قبل، حکم ازدواج و شرایط آن را به تفصیل، بیان می کند.

نگرش در این سوره می نمایاند که همه آیه های آن از نخستین تا آخرین آیه این سوره احکام واجب و اجتماعی مسلمانان را در رابطه بین زن و مرد بیان کرده است و ما فقط از باب نمونه از اول سوره تا اینجا را به صورت مختصر بررسی نمودیم. آیا ممکن است تمام احکام این سوره، احکام شخصی - اجتماعی زن و مرد مسلمان باشد و تنها یک آیه آن یعنی آیه حجاب با همه اهمیتی که در ثبات، استحکام، سلامت ساختار و حفظ بهداشت روان جامعه اسلامی دارد؛ اجتماعی نباشد و تنها شخصی محض باشد؟ ارتباط و پیوستگی موضوعی آیات بهترین گواه بر این واقعیت است که حجاب و پوشش زن، همچون سایر احکام قبل و بعد در سوره، حکم شخصی - اجتماعی است و نمی تواند استثنای از آنها باشد.

منابع و مأخذ

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب، نشر ادب الحوزه، قم، 1405 هـ.
۲. العک، خالد عبدالرحمن؛ اصول التفسیر وقواعد، دارالکتب الاسلامیه، بیروت.
۳. امین، مهدی؛ «مسئله الحجاب فی القرآن»، (درنگی در نظریات دکتر محمد شحرور) ترجمه علی مازاریان؛ ماهنامه المنهاج، شماره 9، بیروت.
۴. جاسبی، محمد بهرام؛ فرهنگ علوم سیاسی، انتشارات گوتنبرگ.
۵. روزنامه نشاط، 1387/3/17
۶. شحرور، محمد؛ کتاب والقرآن قراءة معاصرة، دمشق، 1999 م.

۷. صدر، شادی؛ « آیا حکومت مسئول بی حجابی است؟ ». ماهنامه زنان، شماره 103،

1382 ش.

۸. طباطبایی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، انتشارات اعلمی، بیروت.

